



۲۰۱۹/۰۲/۲۷



م، نعیم بارز

قابلیت اشرف غنی در روند تکامل حاکمیت ملی!



حاکمیت ملی که موضع و موقعیت یک جامعه را نسبت به جوامع دیگر مشخص می کند، توضیح اینکه در ساختار داخلی تمام جوامع انسانی یک نیروی محرکه متمایل سلطه بر دیگر جوامع وجود داشته، که نسبت به شرایط شکل یابی هر جامعه دارای شدت کم و بیش متفاوت است و این وضع بروز حالت مداخله و جنگ بین جوامع شده چنانکه دولت پاکستان در عمر کوتاه خود همواره از هیچ نوع چشم داشت و دخالت در افغانستان دریغ نورزیده است.

چنین وضع به خصوص قبل از به میان آمدن سازمان ملل متحد یک وضعیتی در رفتار دولت ها عام بوده و در تمام طول تاریخ وجود داشته است.

حقانیت سیاسی دولت:

حقانیت سیاسی چیزی نیست که هرگاه یک دولت بوجود آمد و شکل گرفت، برای همیشه از طرف مردم به دستگاه سیاسی داده شود، بلکه دستگاه سیاسی و نقش فرد در رأس نهاد های قدرت باید دائماً برای حقانیت های جدیدی مورد آزمایش قرار گیرد، البته معیار سنجش طبق نظام دیموکراسی و قانون هر چند سال می باید انتخابات به عمل آید تا بتواند درستی کار و یا نادرستی و رضایت و یا عدم رضایت مردم را نشان دهد. بدین ترتیب رابطه جامعه مدنی با دستگاه سیاسی می تواند رابطه ای باشد زنده و ارگانیک و رابطه چند جانبه که توضیح چند جانبه بودن آن در اینجا نمی گنجد، اما به هیچوجه یک جانبه بودن قدرت مثل حاکمیت های دینی مذهبی و نظام های کمونیستی و دیگر نظام های دیکتاتوری نیست.

یکی از اثرات بزرگ انقلاب فرانسه این بود که حاکمیت مقامات مسیحی را به عنوان واسطه میان خدا و دستگاه سیاسی حذف کرد و امکان بیان مستقیم حقانیت از طرف مردم را به صورت رأی عمومی ابداع نمود، اینکه چه کس و یا کسانی دارای موضع ملی شناخته می شوند، میتوان به این تعریف مختصر بسنده کرد: داشتن شعور اجتماعی و وجدان سیاسی و بینش فرهنگی در حدی که هر انسان قادر به دفاع از ارزش های اساسی زندگی فردی و اجتماعی خود باشد. بدین

گونه هر قدر تعداد این عناصر در جامعه بیشتر باشد، اساس ایجاد وحدت و یک پارچگی ملی را به همراه می داشته باشد، البته توسعه و رشد اقتصادی، فرهنگی و آزادی در پیدایش و رشد کمیت و کیفیت عناصر ملی در کل جامعه عامل اساسی پنداشته شده و نقش تعیین کننده داشته و در آن صورت دفاع از منافع ملی و تأمین امنیت کشور شکل طبیعی را به خود می گیرد.

کشور ما که بنا بر موقعیت جغرافیایی متأسفانه در طول تاریخ میدان رقابت های جهان گشایان شرق و غرب بوده، تاکنون فرصت لازم در جهت رشد اقتصادی و به میان آمدن طبقه بورژوازی و استقرار حاکمیت ملی را به خود نیافته و به همین لحاظ جامعه قومی - قبیله‌ای افغانستان هنوز به مرحله تشکیل احزاب طبقاتی با برنامه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روش انتخاباتی وارد نشده و طبیعتاً مردم بر هیچ فردی خارج از قوم خود در رأس قدرت دولت توافق و رضایت نشان نمی دهد و با این کمبود و ضعف ها حتی بعضاً شخصیت های آگاه در مسایل ملی که کوشیده اند روند ملی شدن را در سطح کشور تعقیب نمایند، مورد انتقاد و سرزنش قرار گرفته و از هیچ وسیله ای برای تخریب و بر انداختن آن از قدرت دریغ نگردیده است، در این امر بی تردید دست دولت های منطقه و جهان نیز همواره دراز بوده است.

قابلیت اشرف غنی در مقام ریاست جمهوری؟

مخالفین اشرف غنی او را دیکتاتور، قوم گرا و حتی شخص دیوانه می پندارند، اما یکی از هم صنفی های دوران مکتب وی به من چنین گفت: «اشرف غنی در دوران تحصیل در مکتب شاگرد لایق و اول نمره صنف بود، گاه در یک سال تحصیلی امتحان دو صنف را می گذراند» تحصیلات بعدی او در اکادمی امریکایی بیروت و دوره های کاری آن به حیث استاد در یکی از پوهنتون های امریکا و کار آن در بانک جهانی و در کابینه آقای کرزی بحیث وزیر مالیه و رئیس پوهنتون کابل به همه معلوم است.

در این ارتباط نوشته ای از مدیر مسؤول روزنامه "دان" پاکستان که پر تیراژ ترین روزنامه در آن کشور است از نظرم گذشت و آن را در مورد شخص اشرف غنی و حال و آینده افغانستان چنان منطقی و واقعیه‌ناهنه یافتم که حیفم آمد از نقل کاملش چشم ببوشم:
مدیر مذکور نوشته است:

«محمد اشرف غنی شخص معمولی نیست، او در حال ساخت چهار راه اقتصادی آسیا در افغانستان می باشد که از یک طرف توسط پاکستان در محاصره نا امنی و بی ثباتی در کابل دست و پنجه نرم می کند، از طرف دیگر ایران فشار های مستقیم و غیر مستقیم بر افغانستان که هنوز بر پای خود ایستاده نشده است وارد می کند، روسیه هم دخالت اشکار و نقش ناکامی که در هنگام دولت داکتر نجیب الله در افغانستان بازی کرده بود تکرار بازی می کند، از همه مهمتر جنگ سالاران ویرانگر که دیروز افغانستان را به خاک و خون یک سان کرده بودند هنوز هم از تکرار جنگ مجدد برای دریافت امتیازات بیشتر، رئیس جمهور غنی را تهدید و یا هم از طریق آشوب و اغتشاش های مکرر وقت او را ضایع و پلان هایش را ناکار می دانند. مگر باز هم غنی بدون توپ، تانک و یا هم با داشتن تأسیسات اتمی دو همسایه ایران و پاکستان را که چهل سال می شود در افغانستان آتش می زنند هر دو دولت را به زانو درآورد. این در حالیست که پاکستان از فرصت های اقتصادی صد در صد برخوردار می باشد، مگر هیچ پلان اقتصادی ندارد. چون اقتصاد پاکستان به افغانستان گره خورده است. بزرگترین پلان اقتصادی پاکستان این بود که مرز های خود را به

افغانستان ببندد و تاجران افغان را بیازارد. بار ها تاجران ملی و اقتصاد دانان پاکستانی برای پاکستان هشدار خطر می دادند و می گفتند، غنی شخص معمولی نیست و با اشرف غنی زور اقتصادی نزنیم بهتر است، اما سیاست خارجی پاکستان به قدری پوشیده بود که بار بار اشتباهات و ضدیت خویش را علیه افغانستان تکرار کرد.

در روز های نخست کاری از اشرف غنی پرسیدند، سیاست خارجی خود را از کجا شروع میکنی؟ غنی نام کشور (ترکمنستان) یکی از کشورهای همسایه شمال افغانستان را به زبان آورد، همه خندیدند، مگر ما تکان سخت خوردیم. چون ما می دانستیم غنی چه می گوید، باز هم پاکستان به شرارت خود ادامه داد.

اینک ما برای افغانستان حق می دهیم، چون رئیس جمهور غنی در نخست، پاکستان را در آغوش گرفت در حالی که هند برایش مقدم تر از پاکستان بود. مگر پاکستان به مانند کودک خردسال در آغوش رئیس جمهور غنی لباس خود را تر کرد. غنی به هند دست اقتصادی داد و هندوستان از غنی استقبال بسیار گرم کرد، باز هم پاکستان دروازه های خود را به روی افغانستان بست. بالأخره روزی رسید که غنی به سیاست خاموش خود دروازه های اقتصادی تمام کشور ها را برای همیشه به روی پاکستان ببندد. امروز افغانستان به طرف پیشرفت، ترقی و ثروتمند شدن روان است و پاکستان به طرف نابودی و انزوا.

۱ - پلان اول او صلح سرتاسری است که تقریباً به آن دست یافته است. این پلان تمام مردم افغانستان را واحد می سازد و جنگ در افغانستان را خاتمه میدهد.

۲ - استخراج شفاف معادن زیر زمینی افغانستان. افغانستان می تواند با استخراج معادن خویش به ثروتمندترین کشورها در جهان مبدل شود.

۳ - مهار آب در افغانستان. افغانستان می تواند هر قیمتی که بالای آب خود بگذارد، پاکستان و ایران ناگزیر آن قیمت را به افغانستان بپردازند. چون راه دیگر وجود ندارد، ایران و پاکستان باید برای ادامه حیات خود از آب افغانستان مستفید شوند، چون اراده هر نوع تجاوز نظامی علیه افغانستان را باید از ابر قدرت دنیا، روسیه سابق تجربه کرده باشند.

۴ - نحوه انحصار سرمایه بیش از ۲۰۵ کشور جهان در افغانستان است که شاید ارزش تکه سنگ افغانستان معادل طلا به سایر کشور های جهان مبدل شود. چون هر سنگ افغانستان قیمت خاص خودش را دارد. اینک رئیس جمهور غنی تمام مهره های مفسد و ناکار را یا از وظایف سبکدوش و یا هم بی صلاحیت کرده است و اکثریت امور دولت داری را خودش به پیش می برد. سران حکومت پاکستان ۱۸ ساعت می خوابند و رئیس جمهور غنی ۱۸ ساعت کار می کند. در حال حاضر تعدادی از اتباع افغانستان از کارکرد های غنی راضی نیستند، این ناراضی ها هم بسیار زود بیدار خواهند شد. خوب و بد خویش را دانسته و اشرف غنی را درک خواهند کرد.

به تکرار می گویم که پاکستان باید سیاست ناکام خود را در برابر افغانستان تغییر دهد، امروز شانس داریم که افغانستان صدای ما را بشنود، چون فردا افغانستان در جایی قرار خواهد داشت که شاید صدای فریاد های پاکستان را به آسانی نشنود. کمکهای امریکا، بانک جهانی، برتانیه، عربستان سعودی و چین که بعد از هزار مکر، نیرنگ، ناله و فریاد اشرف غنی توانست با یک قلم دو کلمه سیاست خود تمام کمک های مذکور را به نفع افغانستان ببرد و پاکستان با کشتی بزرگ و همه امکانات در ساحل بیچارگی بماند. باز هم پاکستان از شناخت غنی کوتاه آمد.

امروز افغان ها قادر هستند که به دستان خالی و اعتبار بین المللی رویاهای نیاکان شان را تحقق بخشند. پروژه هایی را آغاز کرده اند که ما فکر نمی کردیم مردم کشوری مثل افغانستان حتی نام آن پروژه ها را بدانند. در حال حاضر ما شاهد احداث آن در افغانستان هستیم و حالا در پاکستان پروژه هایی که نیاکان ما در پاکستان آغاز کرده بودند، در نتیجه زور آزمایی و خیانت به افغانستان اشرف غنی را واداشت تا پاکستان به قهقرا سوق کند، در نتیجه پاکستان پروژه ملی و حیاتی را به زوال رفتن

شد مبنی بر اینکه پاکستانی ها از مقدار کمک هایی که به نام افغانستان از المان و همه جا به پاکستان می رسد متأسفانه پاکستانی ها بیست فیصد آن را هم بما تحویل نمی دهند. مسؤول آلمانی در پاسخ گفت: صدایت را بلند نکن همین قدر که به شما میرسد غنیمت است زیرا دیگر هیچ راه رساندن کمک به افغانستان نیست، شما راه بحری ندارید و روابط امریکا و اروپا با ایران هم خوب نیست یگانه راه رساندن کمک به افغانستان همین راه بحری بندر کراچی و ترانزیت زمینی کشور پاکستان است و بس.

سخن نماینده کمک رسانی کشور المان به مردم افغانستان حرف درستی بود، معلوم است که در گذشته از آن بابت کشور ما کمتر مورد توجه تجارت و سرمایه گذاری داخلی و خارجی قرار گرفته و نگاه مردم جهان به مثابه یک جزیره متروک به افغانستان بود. خوش بختانه از اکنون به بعد دیگر کشور افغانستان از این وابستگی که ذکر آن رفت رهایی یافته و همان طوری که پیش بینی شده با برقراری صلح و تأمین امنیت به زودی کشور ما به چار راه تجارتی، اقتصادی و فرهنگی مبدل خواهد شد. پایان



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز و قلم بدست شناخته شده افغانستان را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!